

تاریخ ماوراءالنهر (در قرون جدید)

فرانسیس هنری اسکراین و ادوارد دنیس [دنیسن] راس، ترجمه میرزا احمدخان سرتیپ، به کوشش دکتر احمد شعبانی و دکتر صمد اسماعیل زاده
تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹
۱۲ + ۱۶۰ ص. ۵۰۰۰۰ ریال.



تاریخ ماوراءالنهر ترجمه فارسی یکی از نخستین آثار علمی و تحقیقی است که در آخرین سال قرن نوزدهم (۱۸۹۹) به زبان انگلیسی در این باب نوشته شده است. در آن سال‌ها در دوره اوج «بازی بزرگ»، رقابت روس و انگلیس در آسیا که تحولات و مقدرات ایران را نیز تحت الشعاع خود داشت، آثار فراوانی در این زمینه در بریتانیا منتشر شد که بیشتر یا جنبه سفرنامه داشتند و یا نوعی ژورنالیسم در پرداختن به یکی از بحران‌های سیاسی آن دوره. کتاب اسکراین و دنیسن راس که یکی از مقامات مجرب تشکیلات بریتانیا در هند بود و دیگری نیز استاد دانشگاه لندن، از این جهت نوشته متمایزی از آثار پیش گفته محسوب می‌شود.

در این کتاب با توجه به داده‌ها و دانسته‌های وقت، تاریخ ماوراءالنهر از «زمان‌های سلف تا موت اسکندر» مورد توجه قرار داشته است تا دوران فرمانروایی اشکانیان و داستان چیرگی اعراب بر آن حدود، و در ادامه صفاریه و سامانیه، و بالاخره چیرگی ترکان از روزگار قره‌خانی‌ها و غزنوی‌ها تا حمله مغول و تیمور که به تأسیس

یک رشته سلسله‌های محلی در آن حدود منجر شد که اعقاب آن‌ها تا زمان تسلط روس‌ها در قرن نوزدهم، زمام امور را در دست داشتند. در بخش دوم که اینک منتشر شده است، مراحل مختلف چیرگی روس‌ها بر ماوراءالنهر مورد بحث قرار گرفته است، که هم شامل مجموعه‌ای از لشکرکشی‌های نظامی بود و هم احداث خط آهن و تأسیس یک سلسله مراتب اداری جهت اداره حوزه‌های فتح شده.

تاریخ ماوراءالنهر چند سال بعد از انتشار به فرمان مسعود میرزا ظل‌السلطان ترجمه شده و به صورت نسخه‌ای خطی در کتابخانه این مسکویه اصفهان سپرده بود تا آن که آقایان احمد شعبانی و صمد اسماعیل‌زاده بر انتشار بخش دوم آن که به سرگذشت آن حدود از دوره استیلای روسیه به بعد اختصاص دارد، اهتمام کرده‌اند.

با توجه به اهمیت مجدد کشورهای آسیای میانه در عرصه تحولات بین‌المللی بعد از فروپاشی روسیه شوروی، بسیاری از آثار و نوشته‌های قدیمی‌تر در توضیح تاریخ و جغرافیای آن حدود از نو تجدید چاپ شده‌اند که متن اصلی این کتاب که در قلب آسیا^۱ نام دارد نیز در زمره آن‌هاست. اگر روزی بر چاپ منقح‌تر و کاملی از ترجمه فارسی این کتاب تصمیم گرفته شود، از این متن اصلی و به ویژه ارجاعات معتنابه آن که در ترجمه قاجاری حذف شده‌اند نیز می‌توان استفاده کرد.

ک. ب

1. *The Heart of Asia, A History of Russian Turkestan and the Central Asian Khanates, From the Earliest Times*, Elibron Classics, 2005.

تصویری از متن اصلی و اولیه کتاب نیز در تارنمای گوگل در دسترس پژوهشگران قرار دارد.

کتابچه املاک اینجوی فارس (سده هشتم هجری)

اسناد معماری ایران: دفتر دوم

ایرج افشار و عمادالدین شیخ‌الحکامی
تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری

«متن»، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸. ۷۰۰۰۰ ریال.



کتابچه املاک اینجوی فارس که در پاره‌ای از متون تاریخی متأخر چون فارسنامه ناصری از آن به عنوان وقف‌نامه املاک موقوفه سادات اینجوی شیراز نیز نام برده شده است (ص ۸) همان گونه که در مقدمه مصححان این متن نیز خاطر نشان شده است منبعی است «... برای مطالعات تاریخی، جغرافیای تاریخی، معماری...» و غیره (ص ۷).

در مورد نحوه استقرار سادات اینجوی در فارس در زمان عضدالدوله دیلمی و سرگذشت آن‌ها و موقوفاتی که تولیت آن‌ها به خاندان مزبور سپرده شد و همچنین سرگذشت این املاک در دوره چیرگی مغول‌ها در مقدمه کتاب توضیحاتی ارائه شده است، ولی اهمیت این متن در مقام یک سند تاریخی و جغرافیایی بیش از هر چیز خود را در مجموعه فهرست‌هایی نشان می‌دهد که از این متن دشوارخوان استخراج و در انتهای کتاب ضمیمه شده‌اند.

در کنار نمایه کسان (صص ۱۰۷ - ۱۱۳) بخش مهمی از این فهرست به نمایه جای‌ها اختصاص دارد که در سه بخش استخراج و تنظیم شده‌اند؛ یکی نام جای‌های کم و بیش روشن است همراه با اسامی امروزی آن‌ها (صص ۱۳۲-۱۱۵)، دیگری نام جای‌های مبهم است با حدود تقریبی آن‌ها (صص ۱۳۴ - ۱۳۳) و بالاخره نمایه نوع جای‌ها: باغ، بحر، بستان... (صص ۱۴۲ - ۱۳۵).

در کنار این اسامی که از لحاظ بررسی جغرافیای تاریخی نواحی جنوبی فارس حائز اهمیت است در ادامه از نمایه‌ها و ژگان معماری و مدنیت مرتبط، احداث و بازسازی آثار معماری، ابنیه موقوف علیها، نمایه مشاغل و مناصب و گروه‌ها و طبقات اجتماعی، نمایه عناوین القاب و واژه‌های احترام‌آمیز... نیز فهرست‌هایی تهیه شده است (صص ۱۷۹ - ۱۴۵).

از آن‌جا که در این روزگار به ندرت می‌توان کار خیری انجام داد که در نهایت به شری منجر نشود، مصححان این «وقف‌نامه» با در نظر داشتن تجربه چاپ و قفنامه ربع رشیدی در سنوات پیشین (۱۳۷۵) و آمادگی و استعداد برخی از دوایر برای «احقاق حق» و خلع مالکیت از این و آن، در آغاز «پیش از هر توضیحی، لازم به یادآوری و تأکید» دانسته‌اند «که این رساله چون رونوشتی ناقص و غیرمصدق از سندی کهن است، از لحاظ حقوقی طبعاً نمی‌تواند در شمار وقف‌نامه‌های معتبر و مسجل قرار گیرد و صرفاً به عنوان متنی قدیمی که منبعی برای مطالعات تاریخی، جغرافیای تاریخی، معماری و... محسوب و به انتشار آن مبادرت می‌شود» [تأکید در اصل] (ص ۷)

ک. ب

نامه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله

(زبده و متن برخی نامه‌ها)

به اهتمام علی اصغر حقدار

تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۹

۲۰۸ ص، ۴۴۰۰ تومان

برای ما ایرانیان که در طلب تجدد هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم، یادآوری پیشگامان این راه و نوشته‌های آن‌ها هنوز هم جذاب و هیجان‌انگیز است. انتشار نامه‌هایی نویافته از میرزا ملکم خان نیز چنین حالتی دارد. این نامه‌ها که در اصل توسط دکتر فریدون آدمیت از مجموعه‌ای از آرشیوهای مختلف گردآوری شده‌اند به دو دوره متفاوت از زندگانی میرزا ملکم خان ارتباط دارند؛ یکی دوره‌ای است کم و بیش در مراحل نخست راه، در فاصله سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۴ ه.ق که در خلال آن ملکم عهده‌دار سفارت ایران در لندن



بود و در ببحوجه شور و شوقی تجدد و دیگری نیز برهه‌ای از واپسین ایام حیات اداری وی در عصر مظفری (۱۳۲۳ - ۱۳۱۹) که هر چند از دلمشغولی‌های پیشین، هنوز هم نشانی در خود دارد (صص ۱۰۱ - ۹۲) ولی در مجموع به زندگانی آرامی در مقام سفیر ایران در رم راضی است و به دعای ذات اقدس همایونی مشغول؛ به رغم پاره‌ای نگرانی‌های گاه به گاه چون لزوم جابجایی «... این لذت روحانی را هم دارم که می‌بینم راه جمیع آن اصلاحات و ترقیاتی که در تمام عمر محرک آن بوده‌ام حالا در کمال خوبی باز شده است. جناب مستطاب عالی - [ظاهراً اتابک] - باید خوب در نظر داشته باشند که به جهت تنظیم امور مالیه و ترتیب دیوانخانه‌ها و ترویج معارف و فرستادن معلم به خارج چه اقدامات و چه اصرارها شد و به جایی نرسید و حالا همه این کارها بی‌صدا، بر فوق آرزوهای سابق پیش می‌رود» (نامه مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۱، صص ۱۲۷ - ۱۲۶).

البته این آرامش خاطر و لذت روحانی، فقط حاصل گذر عمر و فرونشستن طبیعی شور و شوق جوانی نبود؛ به گونه‌ای که ملکم به کزات بیشتر خاطر نشان کرده بود ایران اگر به بقای خود در مقام یک کشور مستقل دلبستگی داشت جز گام نهادن در راه پیشرفت و همسویی با جهان پیرامون خود چاره‌ای نداشت. این را نیز در صفر ۱۲۹۳، یعنی حدود سی و پنج سال پیش از نهضت مشروطه صریحاً خاطر نشان کرده بود: «... حالا دیگر وقت آن گذشته است که یک دولتی بر دور خود سدی بکشد و به سایرین بگوید این ملک مال من است و من نمی‌خواهم ترقیات این

عهد را اخذ بکنم. حالا از اطراف جواب می‌دهند بلی این ملک مال شماست اما آبادی دنیا تعلق به عموم انسانیت دارد...» (ص ۶۹).

«... در این عهد که هیچ شباهتی به عهد سابق ندارد، در این عهد که انتشار علوم و کثرت مرادفات و استیلائی اجتهاد انسانی تمام کره زمین را خانه مشترک جمیع اجزای بنی آدم کرده، هر دولت مجبور است که نه تنها در جنگ بلکه در جمیع عوالم زندگی و به خصوص در تنظیمات و تدابیر مملکتداری به قدر اقتضای تمدن حالیه دنیا یا اقلأً به قدر روش دول همجوار ترقی نماید. هر دولتی که بخواهد خود را از این اجبار ترقی عامه معاف و مستثنا بشمارد اگر تمام سرحدات خود را با توپ کروپ و به سنگرهای فولادی مضبوط بکند ممکن نیست که یک روز زود یا یک روز دیر در زیر سیل ترقیات اطراف مغلوب نشود...» (صص ۷۳ - ۷۲).

ملکم در کنار تأکید بر لزوم استقبال از یک چنین دگرگونی و تحولی، از توجه به مقدمات کار نیز غافل نیست و در انتقاد از دولتمردانی که فقط بخشی از این نوآوری را می‌پسندند و دیگر جوانب آن را نادیده می‌گیرند - «... همه کارهای خوب را می‌خواهند اما همین که پای مقدمات کار به میان می‌آید به نفرت تمام رد می‌کنند که ما این مقدمات را لازم نداریم...» - چنین می‌نویسد: «... راه‌آهن را می‌پسندند اما مقدمات آن را بی‌حاصل می‌دانند. قدرت عسکریه فرنگستان را با عزم و حرص تمام طالب هستند اما وقتی معلم فرنگستان می‌گوید قبل از اخذ نظام فرنگی باید حکماً اصول مالیه فرنگی را اخذ نمود بر چنین حماقت معلم فرنگی می‌خندند که علم و ترتیب مالیه بهتر از آن چه داریم چه خواهد بود...» (ص ۷۴).

وی اُس و اساس این مقدمات را در قالب یک «... کارخانه مرکزی اعظم کرامت‌های قدرت انسانی...» تعریف می‌کند که «... در احداث این دستگاه... جامع جمیع علوم...» است و «... خلاصه پنج هزار ساله اجتهاد عقل بشری...» (ص ۹۷) یعنی «... کارخانه دولت... موافق علوم مشروعه مقرر دنیا...» (ص ۹۹). و در توضیح بیشتر از سیاحت‌های متداول فرنگستان می‌نویسد که در خلال آن «... تلگراف، راه‌های آهن، کوچه‌های مزین، لشکر منتظم، کشتی‌های آتشی، تماشاخانه‌های عجیب، کارخانجات



است و سهم بزرگی در آموزش جغرافیا و کاربرد آن در ایران دارد. وی سازمان هواشناسی ایران و دانشگاه بیرجند را پایه‌گذاری کرد و بیش از نیم قرن به تدریس جغرافیا در دانشگاه پرداخت.

مرد جهانی از بیرجند خاطرات تحصیل دکتر گنجی از مدرسه شوکتیه بیرجند، تحصیل در تهران و انگلستان و امریکاست که وی از دانشگاه کلارک در آن کشور درجه دکترا را اخذ کرده است.

به سان رود حاوی خاطره‌ها و دیدگاه‌های دکتر گنجی است. در این کتاب وی به شرح زندگی و فعالیت‌های علمی خود پرداخته است.

هر دو کتاب دارای تصویرهای متعدد است. همان‌گونه که گفته شد دکتر گنجی بنیادگذار سازمان هواشناسی ایران بود. وی در بخشی از کتاب به سان رود چگونگی تأسیس سازمان هواشناسی را به تفصیل شرح داده و به امکانات محدودی که آن زمان برای پیش‌بینی هوا وجود داشته اشاره می‌کند و می‌گوید اغلب پیش‌بینی‌هایمان اشتباه از آب در می‌آمد و آن‌گونه که گفته است حتی شاه هم به این موضوع توجه داشته و آن را با او در میان می‌گذارد. این موضوع مضمون طنز برخی از مطبوعات قرار گرفته بود که تصویر برخی کاریکاتورها در همین کتاب چاپ شده است.

تفسیر فُرات کوفی

بازشناسی میراث کهن شیعه

مریم قبادی

تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

گرانوبل / گرانویل (۸۶)، دو تعیین / دولتین (۸۸)، تلافیه / تلامذه (۱۱۵) و القاب لهوی به جای ابلاغ سهوی (ص ۱۴۸).

شناسایی بسیاری از مخاطبان این مکاتبات کار دشواری نیست و جایجایی پاره‌ای از این نامه‌ها تا با روال زمانی مکاتبات همخوانی بیشتری پیدا کنند نیز می‌توانست کمک کار خواننده باشد. و بر همین اساس ترتیب فهرستی در آغاز کار از مکاتبات مزبور و معرفی پاره‌ای از شخصیت‌های فرنگی مورد اشاره در این نامه‌ها مانند تی‌پر، اندراشی و پرنیتی.

کاوه بیات

مرد جهانی از بیرجند

(خاطرات ایام تحصیل دکتر محمدحسن گنجی)

به کوشش غلامرضا سبحان

تهران: سبحان، ۱۳۸۹

۲۲۳ ص. مصور (رحلی).

۸۰۰۰۰ ریال.

● به سان رود

(خاطره‌ها و دیدگاه‌های دکتر محمدحسن گنجی)

گفت و گوها از امیر حاجی صادقی

بیرجند: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شهر بیرجند، ۱۳۸۶

۲۷۶ ص. مصور.



دکتر محمدحسن گنجی که اکنون ۹۸ سال دارد از نخستین دانش‌آموختگان جغرافیا در ایران

وسیع و اقسام عمارت‌های آبادی می‌بینیم و اغلب را به میل و تحسین سیر می‌کنم [می‌کنیم؟] و لیکن غریب‌تر از همه این‌ها یک عمارت و یک کارخانه دیگری هست که آن را هیچ نمی‌بینیم...» (ص ۹۷). و به همین دلیل نیز «... ذات اقدس همایون هر قدر هم فرمان ترقی و حکم عدالت صادر فرمایند و هر قدر هم وزرای ما معقولیت و نجابت و عقل شخصی داشته باشند نه وزارت خواهیم داشت و نه سفارت و نه خزانه و نه لشکر...» (ص ۹۸).

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد در مراحل پایانی عمر، ملکم بر این باور بود «... راه جمیع آن اصلاحات و ترقیاتی که در تمام عمر محرز آن بوده‌ام حالا در کمال خوبی باز شده است...» و با توجه به تحولات مشروطه که در کار بود، پر بیراه هم نمی‌گفت. ولی به رغم تداوم امر و دستاوردهای مهمی که در ادامه راه کسب شد این گردونه - بنا به دلایلی - نه فقط شتاب اولیه خود را از دست داد بلکه در جوانی چند به عقب نیز برگشت. اگرچه در توضیح آن دلایل به عوامل مختلفی می‌شود اشاره کرد که در حال حاضر نیز به نحوی وسیع و گسترده موضوع بحث تعدادی از صاحب‌نظران است، ولی در حاشیه این مباحث و با توجه به آثار پیشینیان از عوارضی چون پدید نیامدن مجدد چهره‌هایی چون میرزا ملکم و تداوم خط اصلاح‌طلبی بدان روشنی و صراحت نیز نباید غافل بود.

متأسفانه در فراهم‌آوردن موجبات نشر این مجموعه از نامه‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله دقت کافی مبذول نشده است. نه فقط در مورد وضعیت نسخه‌ای که مبنای این چاپ قرار گرفته است جز آن‌که «... گزینش و تنظیم اولیه این نامه‌ها توسط دکتر فریدون آدمیت انجام شده و به پیشنهاد ایشان بود که اکنون به صورت عمومی و اولین بار منتشر می‌شود...» (صص ۱۱ - ۱۰)، توضیح دیگری ملاحظه نمی‌شود، در تنظیم و ترتیب آن‌ها نیز جا داشت اهتمام بیشتری به خرج رود.

به رغم عدم دسترسی به اصل اسناد، یک مرور گذرا مبین راه یافتن تعدادی از اغلاط چاپی است، از جمله نقشب به جای نخشب (ص ۲۵)، اوسترلیا / اوستریا (۲۴، ۶۳) قرص / قرص (۵۹)، سهود / سهو (سهو (۶۳) حال / محال (۶۳)



تفسیر فُرات از جمله قدیمی‌ترین تفسیرهای مأثور برجای مانده از سدهٔ سوم و اوایل سدهٔ چهارم هجری است. تفسیر مأثور به تفسیرهایی اطلاق می‌شود که بر مبنای احادیث پیامبر اسلام و امامان شیعه است. در تفسیر فُرات کوفی مفسر تنها به ذکر روایت یا روایاتی ذیل برخی آیه‌ها از بعضی سوره‌ها بسنده کرده و هیچ تفسیر و اظهارنظری دربارهٔ روایت یا آیه نداشته است، هرچند مضمون روایات گزیده شده را می‌توان به نوعی اعمال رأی مفسر به شمار آورد. مؤلف این تفسیر فُرات بن ابراهیم بن فرات کوفی از محدثان و رجال حدیث بوده و از زندگانی او اطلاعی در دست نیست.

کتاب حاضر پژوهشی است از دکتر مریم قبادی عضو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دربارهٔ این تفسیر. در دو فصل نخست کتاب به توصیف کوفه و فضای فرهنگی و فرقه‌های موجود در آن پرداخته شده است. این‌که مؤلف چرا به کوفه پرداخته است به دلیل فرضیهٔ نخست او در این پژوهش بوده که فرات را صاحب گرایش‌های زیدی و غالبانه دانسته و غلو نیز از فرهنگ برخی شیعیان کوفه اثر گرفته است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان اعتبار و حجیت تفسیر فرات کوفی است که با توجه به تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کوفه در گرایش‌های عقیدتی و مذهبی فرات و پیوند روایات موجود در این تفسیر با

زمینه‌ها و باورهای فکری او دنبال شده است. نتیجه‌ای که مؤلف براساس پژوهش خود به آن رسیده این است که این تفسیر به رغم تفاوت‌هایی که در برخی جنبه‌های فکری و اعتقادی با شیعهٔ امامی دارد به دلیل برخورداری از حجم قابل ملاحظه‌ای از میراث مأثور و هم‌سوئی این روایات با برخی آموزه‌های محوری و اساسی شیعهٔ امامی جایگاهی رفیع و منحصر به فرد در میان تفسیرها دارد و البته مانند آثار مشابهنش غث و سمین دارد و نیازمند پیرایش‌های جدی در برخی جنبه‌ها.

ف. ا.

اسکان غیر رسمی: حاشیه‌نشینی

عطیه سادات صابری

تهران: روزآمد، ۱۳۸۹

۱۲۰ ص. ۱۸۰۰۰ ریال.



اسکان غیررسمی در حاشیهٔ شهرها، ناشی از مهاجرت بر اثر فقر است. مهاجران فقیر فاقد مهارت‌های مورد نیاز جامعهٔ شهری‌اند، کم‌سوادند و منابع مالی چندانی در اختیار ندارند. اگرچه آن‌ها به امید دستیابی به رفاه بیشتر و پیشرفت در زندگی خود تن به مهاجرت داده‌اند، در عمل جذب بدترین قسمت‌های سکونتی و اشتغال شهرها می‌شوند.

کتاب اسکان غیررسمی، پژوهشی است دربارهٔ این پدیده که درصدد است ضمن پرداختن به ویژگی‌های کلی اسکان غیررسمی،

راهکارهای چند جانبه برای حل این معضل را بررسی کند.

مؤلف در بررسی جوانب مختلف پدیدهٔ مورد بحث خود، از جمله اسکان غیررسمی را معلول مسائل کلی نظام جهانی می‌داند که با توجه به شرایط تاریخی خاصی ظهور یافته است. وی می‌نویسد: «در سطح کلان، نظام سرمایه‌داری جهانی در جریان پویای تاریخی خود، زمین و مسکن را به کالایی جهت انباشت سرمایه، که منطبق درونی این نظام است، مبدل می‌کند و در سطح میانه، کمبود مسکن به امری همیشگی تبدیل می‌شود. رسیدن به سن ازدواج برای جوانان و در پی آن، نیاز ایشان جهت داشتن مسکن، همچنین مهاجرت وسیع به شهرها که سبب کمبود مسکن می‌شود، در سطح خرد، معضل سکونت در انواع مسکن‌های ناپه‌نچار را ایجاد می‌کند.» (صص ۲۰ - ۱۹)

در بررسی اسکان غیررسمی در ایران دلایلی ارائه شده است. یکی از این دلایل، رشد بی‌رویه و خارج از استانداردهای لازم شهری و توسعهٔ برون‌زای کشور و عدم توجه به ویژگی‌های خاص محیط جغرافیایی ایران برای توسعه است. برای مثال شهر تهران در غیاب روابط منطقی با دیگر شهرهای کشور، و با تمرکز امکانات در آن و رشد مهاجرت روستاییان در سال‌های پس از اصلاحات ارضی، به یکی از کانون‌های اصلی اسکان غیررسمی مبدل شد.

مؤلف معتقد است که باید واقعیت اسکان غیررسمی را پذیرفت و در ابعاد فیزیکی، اجتماعی و گسترش مشارکت برای آن راهکارهایی یافت. مناطق اسکان غیررسمی، پیش از هر چیز، نیازمند «مهندسی اجتماعی شهری» است. یعنی از نظر ساختار فیزیکی، این فضاها نیازمند بازسازی و ایجاد امکانات خدماتی مناسب (راه‌های ارتباطی، خدمات آموزشی، تفریحی، فضای سبز و...) هستند. از نظر ساختار اجتماعی باید به آن‌ها توجه خاص کرد. گسترش امکانات آموزشی و خدمات مددکاری اجتماعی و نیز جلوگیری از مواردی چون کودک آزاری، کار کودکان، سوءاستفاده از

دختران و... از آن جمله‌اند. از نظر اقتصادی، این مناطق نیازمند ایجاد اشتغال مناسب برای ساکنان و ایجاد پوشش‌های حمایتی مانند بیمهٔ بیکاری و حقوق بازنشستگی هستند.

هدف برنامه‌های توسعهٔ مناطق اسکان غیررسمی، در درجهٔ اول گسترش عدالت اجتماعی، و توانمندسازی افراد برای حل مشکلات خود به شیوهٔ منطقی و قانونی است.

پاسخ‌های اساسی به پرسش‌های دشوار دربارهٔ فرزندخواندگی

فنی کوهن هرلم

ترجمهٔ محسن جزایری

تهران: گیسا، ۱۳۸۹

۸۸ ص. ۲۰۰۰۰ ریال.



«خانواده» مفهومی است که برای درک اهمیت و حساسیت آن نیازی نیست روان‌شناس باشیم، اما از دیدگاه روان‌شناسی نیز خانواده منشاء شکل‌گیری شخصیت هر انسان است. همان‌گونه که فروید عنوان کرده است، روابط اودیپی در ابتدای زندگی کودک نقطهٔ آغاز تحول شخصیت وی است و کودک بدون وجود هر یک از دو ضلع دیگر این مثلث (پدر، مادر) در گذار از مراحل مختلف تحول خود دچار مشکلاتی خواهد شد. همین امر باعث شده که از دست دادن یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها در ابتدای زندگی کودک،

در اغلب فرهنگ‌ها تراژدی تلقی شود؛ تراژدی کودک بی‌سرپرستی که بدون کسب ظرفیت‌های روانی کافی، در مواجهه با این فقدان و محرومیت عظیم، بدون منابع حمایتی رها شده است. همان‌طور که مازلو در هرم نیازهای خود متذکر شده، نیاز به تعلق و عشق، پس از نیازهای فیزیولوژیک و امنیت، بنیادی‌ترین نیاز هر انسانی به شمار می‌رود که بدون برآورده شدن آن، امکان دستیابی فرد به عزت نفس و خودشکوفایی امری بس دشوار خواهد بود. همین نیاز به تعلق و ارتباط و اهمیت آن در طی مراحل تحول شخصیت انسان‌هاست که محرومیت از آن را به فقدانی دردناک تبدیل می‌کند.

سال‌هاست که همهٔ ما شاهد فیلم‌هایی بوده‌ایم که موضوع اصلی آن‌ها «راز فرزندخواندگی» کودک خانواده بوده است و سالیان سال پس از فرزندخواندگی همچنان پدر و مادر خواندهٔ خود را پدر و مادر زیستی خود می‌پندارد و تمامی شخصیت‌های داستان در تلاش‌اند «راز فرزندخواندگی» برملا نشود. به راستی تا به حال از خود پرسیده‌ایم چرا ارضای طبیعی‌ترین و بنیادی‌ترین نیاز کودک – یعنی قرار گرفتن در آغوش خانواده‌ای که به او احساس تعلق و ریشه داشتن را می‌بخشد – باید به «راز سر به مهر» تبدیل شود؟ بدون شک بررسی ریشهٔ این پنهان‌کاری را که گاهی تا پایان عمر آن کودک اینک بزرگسال، ادامه می‌یابد باید در اضطراب و ناتوانی پدر و مادر در رویارویی با شوکی دانست که فرزندخوانده‌شان احتمالاً پس از دانستن واقعیت با آن دست به گریبان خواهد بود؛ شوکی که هزاران پرسش در ذهن وی ایجاد خواهد کرد: چرا من؟ چه‌گونه خانواده‌ام را از دست دادم؟ چرا شما من را به فرزندپذیری پذیرفتید...؟ و اینک پدر و مادر خوانده هستند که می‌توانند با پاسخگویی مناسب به این سؤالات و با برخورد درست با واکنش‌های کودک، تضمین‌کنندهٔ سلامت روان کودک خود از این پس باشند و فقدان دوباره را برای وی رقم نزنند.

بدون شک، آمادگی و توانایی مایی که اکنون پدر و مادر خوانده هستید، و همچنان در وحشت از

چگونگی مواجه شدن با این پرسش‌ها و تردیدها از جانب فرزند آینده‌مان و یا دیگرانی که امکان گریز از سؤالات بی‌پایانشان را نداریم، آیندهٔ ما و نونهالان از ریشه جدا شدهٔ سرزمین‌مان را دگرگون خواهد کرد و موجب خواهد شد که دیگر خانواده‌ای خود را از بدیهی‌ترین نیاز خود، یعنی نیاز به مراقبت کردن، عشق ورزیدن و پرورش دادن موجودی دیگر در دامن خود محروم نکنند. به این ترتیب، آمادگی برای پاسخگویی به این سؤالات و نیز گذار از تمامی تردیدهایی که پیش از پذیرش این فرشتگان کوچک توان خانواده‌ای را که ناخواسته از نعمت داشتن فرزند محروم مانده‌اند تحلیل برده است، نیازمند راهنمایی و آموزشی نظام‌مند و مطالعه شده است. **فرزندخواندگی نقطهٔ آغازی است برای گام نهادن در مسیری که بسیاری از مسئولان نهادهای اجتماعی ما نیز هراس از پرداختن صریح به آن را احساس کرده‌اند.**

در این کتاب با مسائل و پیچیدگی‌های این موضوع آشنا می‌شویم. همچنین عقاید نادرست دربارهٔ فرزندخواندگی در این کتاب بررسی شده است. کتاب **فرزندخواندگی** در بخش‌های مختلف پرسش‌های واقعی کودکان را مطرح کرده و نحوهٔ صحیح پاسخگویی به آن‌ها را نیز آموزش داده است.

کتاب **فرزندخواندگی** از طریق برخورد علمی و واقع‌بینانه با مسائل کودکان و والدین آنان کمک می‌کند که «سمرشدن این راز سر به مهر» برای هیچ خانواده‌ای هراس‌آور نباشد. شهادت حاصل از چنین آگاهی‌هایی بدون شک فرزندان بیشتری را به آغوش خانواده‌ها خواهد سپرد.

شناختنامهٔ مسعود کیمیایی

مهدی مظفری ساوجی

تهران: مروارید، ۱۳۸۹

۲ ج (۱۵۵۸ ص). مصوّر (رنگی). با جلد سخت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال. با جلد نرم: ۲۹۰,۰۰۰ ریال.

«نمی‌دانیم سینمای ایران با قیصر شروع شده



است یا نه، آغاز در هنر کمتر اتفاق افتاده که یک نقطه بوده باشد؛ اما قیصر به هر حال امیدی است که به قلب ما و به قلب همه آن‌ها که این سرزمین و مردمان و سنت‌هایش را دوست می‌دارند دمیده است. قدمی بلند در راهی است که می‌تواند به رستگاری سینمای ما منتهی شود.»

«قیصر یک فیلم‌گیرا و شایسته‌ی توجه کامل است. یک شاهکار کامل نیست هرچند یک اشاره قاطع به یک قریحه نیرومند، یک فال روشن خیری به ممکنات آینده است.»

«قیصر در حقیقت نخستین فیلم فارسی است. فیلم‌های قبل از قیصر را اکنون می‌توان در حکم سیاه‌مشق صنعت سینمای ایران دانست و چیزی که جای امیدواری است، قیصر فیلمی است که در سیر طبیعی سینما به صرافت طبع ساخته شده است. به این جهت شاید بتوان آن را به عنوان نشانه‌ی نوعی رشد در صنعت سینمای ایران در نظر گرفت و باز به همین جهت شاید بتوان انتظار داشت که توفیق آن تکرار شود.»

سه نقل قول ذکر شده به ترتیب از پرویز دوابی، ابراهیم گلستان و نجف دریابندری است که پس از دیدن فیلم «قیصر» نوشته‌اند. «قیصر» دومین فیلم کیمیایی در سال ۱۳۴۸ روی پرده سینماها آمد، وقتی کارگردان آن ۲۸ ساله بود. این فیلم همان‌طور که از اظهار نظر سه تن از برجسته‌ترین منتقدان دیده می‌شود نقطه عطفی در سینمای ایران بود. البته از میان منتقدان شاخص، مخالفانی هم داشت از جمله هوشنگ

طاهری و هوشنگ کاووسی.

از نخستین فیلم کیمیایی «بیگانه بیا» (۱۳۴۶) تا امروز بیش از ۴۰ سال می‌گذرد و کیمیایی در طول این ۴۰ سال در عرصه سینمای ایران حضور داشته است. او اکنون در آستانه ۷۰ سالگی است و شناخته‌شده او در زمان مناسبی منتشر شده است. این مجموعه دو جلدی حاوی سالشمار زندگی و آثار، فیلم‌شناسی، برخی فیلم‌نوشت‌های ساخته نشده، بخش‌هایی از رمان و شعرهای او، نقد و بررسی فیلم‌های او، گفت و گو، برخی نظرها درباره او از خلال مصاحبه‌ها، برخی حرف‌ها و اظهارنظرها درباره او به همراه تعدادی تصویر است.

مجموعه مفصل شناختنامه مسعود کیمیایی گذشته از تصویر کاملی که از کیمیایی و آثارش ارائه می‌دهد، به دلیل حضور طولانی او در عرصه سینما بخشی از تاریخ سینمای ایران نیز هست.

ف. ا.

کتاب هنر

ماهرخ وحیدنیا

تهران، ۱۳۸۹

۱۸ برگ نقاشی و مینیاتور در یک قاب

(۳۵ × ۵۰ سانتی‌متر)

در آبان‌ماه سال جاری مجموعه‌ای تحت عنوان کتاب هنر متشکل از ۱۸ تابلو مینیاتور و تذهیب جدا از هم، از آثار ماهرخ وحیدنیا با جلدی بسیار نفیس با خوشنویسی استاد یدالله کابلی منتشر شد. ماهرخ وحیدنیا، فرزند شادوران دکتر سیف‌الله وحیدنیا، نویسنده و مورخ و کلکسیونر هنری مشهور و مدیر مجله وحید، کار هنری خود را از ده‌سالگی شروع کرد و از هنرستان بهزاد با رتبه ممتاز فارغ‌التحصیل شد. وی سی‌سال مداوم در رشته‌های نگارگری و تذهیب، نقاشی رنگ و روغن، قلمدان‌سازی، ساخت و پرداخت جلد‌های روغنی، صحافی سنتی، خوشنویسی، گرافیک و عکاسی سنتی صرف وقت کرده و آثاری ماندگار از خود به یادگار گذاشته است.

ماهرخ وحیدنیا در سال ۱۳۸۰ داور انتخابی

مینیاتور ایران در تهران بوده و از یونسکوی ژاپن مدال طلا و دیپلم افتخار در نقاشی کسب کرده است. همچنین در ۶۰ نمایشگاه فردی و جمعی در داخل و خارج کشور شرکت داشته و بیش از ۱۰ دیپلم افتخار و تقدیرنامه گرفته است.

وحیدنیا در بسیاری از آثار خود، به ویژه در تابلوهای مجموعه کتاب هنر، تلاش کرده است تا مینیاتور، این هنر اصیل ایرانی، را در مضامین مربوط به تاریخ و ادب ایران متجلی سازد. عناوین ۱۸ تابلوی مزبور که با کاغذ گلاسه و در ابعاد بزرگ چاپ شده به شرح زیر است:

اسکندرنامه، تذهیب به سبک صفوی، پیر طریقت، تذهیب با چهره سربازهای هخامنشی، هفت پیکر، شمس و مولانا، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، مخزن الاسرار، نادرشاه افشار در دشت مغان، فردوسی، خانقاه شیخ ابوالحسن خرقانی، پلنگینه‌پوشان، یعقوب لیث در نیشابور، جهان اصفهان، منشور آزادی کورش کبیر، چهره خیال حکیم نظامی، تصویر استاد حسین بهزاد. (تلفن توزیع: ۰۶۴۴۵۵۰۶۴۴).

احمد کتابی

رکسانا نیستم اگر...

ناهید طباطبایی

تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸

۸۸ ص. ۲۰۰۰۰ ریال.



آخرین مجموعه داستان ناهید طباطبایی با نام رکسانا نیستم اگر...، دربرگیرنده هشت داستان کوتاه است: مرا بوس، بهار دلنشین، پارمیدای من کوش؟، زندان سکندر، سودی و فافا، رکسانا

نیستم اگر... کلاه‌گیس و کجا را گفته‌اند؟. داستان‌ها، هر چند نمی‌توان آن‌ها را داستان کوتاه کوتاه نامید، اما چنان به اختصار نوشته شده‌اند که می‌توان آن‌ها را در ردهٔ مینی‌مال‌های هنری گنجانید. طول هر داستان از ۶-۷ صفحه تجاوز نمی‌کند و بلندترین داستان مجموعه ۱۲ صفحه است.

اختصار، که از ویژگی‌های برجستهٔ آثار طباطبایی است و در آثار پیشین او همچون **چهل سالگی** و **حضور آبی** مینا نیز مشاهده می‌شد در این مجموعه به نهایت و، بی‌مبالغه، به کمال رسیده است. داستان‌ها در نهایت کوتاهی پرداخته شده‌اند، گویی نویسنده برای صرف حتی یک واژه بیشتر، تطویل یک تصویر، یا بسط مضمون دلخواهش ملاحظه‌ای سخت مقتصدانه به خرج می‌دهد. اما رعایت سختگیرانهٔ اختصار به هیچ‌وجه مصداق ایجاز مخل نیست و پیکرهٔ داستان‌ها به واقع تکامل یافته‌اند. این ایجاز هنرمندانه هم در وصف‌های راوی، ضمن شخصیت‌پردازی و فضا سازی رعایت شده است هم در نگارش دیالوگ‌ها، به طوری که مجموعهٔ این عناصر ساختاری موجز و تکامل یافته را شکل بخشیده‌اند که بدون نیاز به چرخاندن مخاطب در هزار توهایی بی‌انتهای سردرگم نمودن او در میان راه‌های فرعی، دستگیر است و مخاطب را یکر است به سر منزل مقصود می‌رساند.

علاوه بر ایجاز، یکی از چشمگیرترین ویژگی‌های **رکسانا نیستم** اگر... نثر روان و بی‌بُزک و بی‌ادعای طباطبایی است. نثری یکپارچه معاصر، با زبانی معیار و عناصری امروزی، که اکثر آن از نشانه‌های زندگی شهری برچیده شده‌اند و در کنار هم نمایشگر برش‌هایی کوتاه اما عمیق از زندگی طبقهٔ متوسط شهری، به ویژه زنان، هستند. اکثر پرسوناژها نیز از میان همین طبقه انتخاب شده‌اند: فعالان سیاسی سابق، کارمندان، دانشجویان و تحصیلکردگان که در فضاهای آشنای شهری چون آموزشگاه‌ها، شرکت‌ها، رستوران‌ها و ادارات در آمد و رفت‌اند و تار و پود قصه را به هم می‌بافند. تنها فضای داستان «زندان سکندر» است که با فضاهای دیگر متفاوت است. این تنها قطعه‌ای است که پرسوناژی خیالی دارد، در بنایی قدیمی می‌گذرد و با دغدغه‌های زندگی شهری فاصله‌ای آشکار دارد.

مطالعهٔ مجموعه داستان **رکسانا نیستم** اگر... لذت ادبیات معاصر فارسی را به روح و ذهن مخاطبان هدیه می‌کند. اما، فراتر از لذت مطالعه،

امیدبخش و دلگرم‌کننده نیز هست چرا که به مخاطب امروز ادبیات فارسی که از تکنیک‌های تصنعی دلزده و از ادا و اطوارهای زبانی و شگردهای پلاستیکی خسته است، نوید می‌دهد که هنوز گرایش‌هایی از نثر معاصر هستند که راه سلامت می‌پیمایند. نیز، یادآوری می‌کند که آن گرایش غالبی که می‌اندیشد آخر هر داستان نویسنده حتماً باید خرگوشی از کلاه شعبده‌اش بیرون بیاورد تا «مدرن» و قابل اعتنا جلوه کند، تا چه اندازه در چارچوب تکنیک‌زدگی و تصنع محصور مانده است.

سایه اقتصادی نیا

شیر ایرانی

سام خسروی فرد

تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۹

۱۱۴ ص. ۲۵۰۰۰ ریال.



نماد شیر از دیرباز در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران زمین حضور داشته است. از نقوش برجستهٔ تخت جمشید تا درفش‌ها و نشان‌های رزمی و پهلوانی، و یا نقاشی‌ها و نگارگری‌ها و دست‌باف‌ها و فرش و گلیم و... در ادب فارسی و نظم و نثر هم حضور شیر همیشگی است. شیر نماد شهامت، غرور، شکوه، قدرت و نیز عدالت است. نماد ملی ایرانیان از سده‌ها قبل، شیر و خورشید بوده است. قدیمی‌ترین درفش بازمانده با نقش شیر و خورشید را متعلق به دورهٔ تیموری دانسته‌اند ولی سکه‌های شیر و خورشید نشان عهد سلجوقی نیز موجود است. از دورهٔ صفوی، به ویژه با تعبیر مذهبی‌ای که از این نشان شد، شیر و خورشید جایگاه خاصی یافت: شیر نماد

«اسدالله‌الغالب» امام اول شیعیان؛ شمشیر در دست او نماد «ذوالفقار» و خورشید نماد نظام گاه‌شماری شمسی. ضمناً صورت فلکی اسد نیز خوش‌یمن‌ترین جایگاه خورشید بوده است. بدین ترتیب نوعی تقارن آسمان و زمین نیز در این نشان تصویر می‌شده است. از دوران قاجار، نشان شیر و خورشید کاربرد وسیع‌تری یافت و به نشان رسمی کشور ایران تبدیل شد.

اما جدای از این نشان ملی، ایران زیستگاه گونه‌ای از این گربه‌سانان نیز بوده که به نام «شیر ایرانی» شناخته می‌شده است. برای یافتن سوابق این جاندار فلات ایران، نیازی به جست و جویهای باستان‌شناسانه یا تاریخی نیست. چرا که عکس‌هایی از شیر ایرانی در دست است و تاریخ آخرین باری که خود آن مشاهده شده، به دههٔ ۴۰ میلادی باز می‌گردد. امروز از انقراض شیر ایرانی سخن می‌گوییم، ولی می‌دانیم که بازماندگان این گونهٔ زیستی، در جنگل‌های گیر در شمال غرب هندوستان به حیات خود ادامه می‌دهند.

شیر ایرانی، تألیف سام خسروی فرد (صدمین کتاب از مجموعهٔ «از ایران چه می‌دانم؟») کتابی است در عین اختصار، جامع و کامل. پس از مقدمه‌ای دربارهٔ نقش شیر در فرهنگ و هنر ایرانیان، از پیشینه‌شناسی شیر ایرانی و ویژگی‌های زیستی و رفتاری آن سخن به میان آمده است. مؤلف جدول مفصلی در مورد پراکندگی شیر ایرانی در آسیا (براساس گزارش‌های مشاهده و اسناد تاریخی) ارائه کرده که بسیار گویاست. سپس از پراکندگی شیر در ایران سخن گفته است. در این بحث به منابع قاجاری، به ویژه **سرگذشت مسعودی** و شرح شکارهای ظل‌السلطان و نیز خاطرات دوست‌علی‌خان معیرالممالک و **فارسنامهٔ ناصری** رجوع شده است. گزارش‌ها و سفرنامه‌های اروپاییان نیز از منابع ذی‌قیمت این مطالعه است.

سام خسروی فرد نشان می‌دهد که برخلاف تصویر رایج، ظل‌السلطان شکارچی آخرین شیر ایرانی نبوده است و از او نقل می‌کند: «من غیر از شیر همه نوع انواع شکار در شیراز - چه این سفر و چه آن سفر دیگر - خود زده‌ام... شکار شیر هم مکرر رفته‌ام ولی گیر نیامدم...» او از مناطق فارس، همچون کام فیروز و دشت ارژن به عنوان زیستگاه شیرها یاد می‌کند. ظاهراً او خود شاهد شکار شیر توسط قشقایی‌ها و طایفهٔ کشکولی در دشت ارژن بوده است.

مؤلف در شرح دلایل انقراض شیر در ایران، از دو دسته عوامل بیرونی و درونی نام می‌برد.

فرهنگ داروسازی

انگلیسی به فارسی

محمد رضا توکلی صابری

تهران: مازیا، ۱۳۸۹

۵۰۴ ص. ۱۲۰۰۰۰ ریال.



فرهنگ داروسازی دکتر محمد رضا توکلی صابری با بیش از پانزده هزار واژه و مدخل مرتبط منتشر شده است. همین مؤلف، پیش از انتشار این فرهنگ، در سال ۱۳۵۳ اولین فرهنگ دارویی و در سال ۱۳۶۴ اولین فرهنگ دارو پزشکی انگلیسی - فرانسه - فارسی را منتشر ساخته بود.

فراوانی و گستره وسیع واژه‌های داروسازی و رشته‌های وابسته به آن که در این فرهنگ جدید آمده، نیاز مراجعه به فرهنگ‌های متعدد را برای داروسازان رفع می‌کند. برای اصطلاحات جدید انگلیسی معادل‌های فارسی مناسبی وضع شده است. مثلاً: خوردارو برای antiracetic، مدل تک‌باجه‌ای برای one compartment، مدل دارویی برای model، دارویش برای pharmaceuticals، زنده ماندن برای survival، شکنندگی و تردی برای friability، دیرپا برای long acting، زیرسی برای bioavailability و ... بسیار معادل‌های فارسی دیگر. تعریف هر واژه مختصر و مفید است و اطلاعات کافی در مورد هر کدام می‌دهد.

مشخصه‌های بسیاری از گیاهان دارویی مانند ترنجبین، شیرخشت، گل‌گاوزبان، شیرین‌بیان، کاسنی، شاه‌تره و همچنین اصطلاح‌های پزشکی سنتی مانند بادکش‌کردن، اماله، فصد، قولنج، کوفت! و نیز زندگی‌نامه بسیاری از پزشکان و داروسازان معروف جهان

نخست، تخریب زیستگاه شیر ایرانی است. اراضی‌ای که قلمرو و گستره خانگی شیر بوده‌اند و به مرور به اراضی زراعی یا چراگاه بدل شدند. همچنین با از بین بردن درختان و درختچه‌ها، پناه و مأوای این جانور کاهش یافت. دوم، حضور دام‌های اهلی در رقابت غذایی با جانورانی چون آهو و گوزن زرد که طعمه شیر به شمار می‌رفتند، باعث کاهش غذای این جانور شد. از سوی دیگر، شکار بی‌رویه طعمه‌های شیر، زنجیره غذایی شیرها را دگرگون ساخت و به گرسنه ماندن آن‌ها انجامید. سومین عامل نیز شکار شیر بود که با اهداف و مقاصد گوناگون صورت می‌گرفت. خسروی فرد به ویژه سران ایلات قشقایی و بختیاری را مسئول این کار می‌داند.

در کنار این عوامل عمدتاً بیرونی، مؤلف از عوامل درونی انقراض شیر ایرانی یاد کرده که رفتارهای زیستی و طبیعی این جانور است؛ عواملی مانند قلمروطلبی، گستره خانگی وسیع، دوران باروری و طول عمر، آسیب‌پذیری توله‌ها و مرگ و میر طبیعی آن‌ها.

تلاش برای احیای نسل شیرهای ایرانی از سال ۱۳۵۱ در پارک ملی ارژن و پریشان آغاز شد که توضیح درباره آن را در کتاب می‌خوانیم. خسروی فرد در این باره می‌نویسد: «موفقیت در اجرای این طرح نیازمند بررسی‌های همه جانبه، ظرفیت سنجی و فراهم آوردن شرایط مناسب زیستگاهی برای جانوران شکارچی، طعمه‌های آن‌ها و مهم‌تر از همه، اهالی و ساکنان منطقه‌ای است که تحت پوشش «طرح معرفی مجدد شیر» قرار می‌گیرند.» وی هشدار می‌دهد که هنوز چندگونه از خانواده گربه‌سانان در ایران باقی‌مانده‌اند (گربه وحشی، گربه جنگلی، سیاه‌گوش، یوزپلنگ، پلنگ و...) که از وضعیت زیستی برخی از آن‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست و دو گونه یوزپلنگ و پلنگ نیز شرایط مطلوبی ندارند و در خطر انقراض‌اند از این رو حفاظت اصولی گربه‌سانان موجود در کشور را نسبت به بازگرداندن شیر به ایران دارای تقدم بیشتری می‌داند که باید نخست به آن اهتمام ورزید.

سام خسروی فرد کارشناس ارشد محیط زیست و دانشجوی دکترای مدیریت حیات وحش است و علاوه بر این اثر، کتاب میراث طبیعی ایران (جلد شصت و سوم مجموعه «از ایران چه می‌دانم؟») و مقالات بسیاری را درباره محیط زیست ایران در نشریات و رسانه‌ها منتشر کرده است.

غرب مانند لویی پاستور، ادوارد جنر، رابرت کخ، بقرات و جالینوس و دیگران به علاوه همتایان آن‌ها در جهان اسلام مانند رازی، ابن‌سینا، ابوالقاسم زهرای، علی‌بن‌عباس‌المجوسی، موسی‌بن‌میمون و بسیاری دیگر در زمره مطالب این فرهنگ است.

نویسنده مجموعه‌ای جالب و ضروری از واژه‌های عامیانه و محاوره‌ای (Slang) انگلیسی مرتبط به دارو و اعتیاد و معتادان را هم در این فرهنگ آورده است که کمک بزرگی برای مترجمان و خوانندگان این قبیل متون است. به راحتی ممکن است horse را «اسب» معنی کنید در حالی که منظور «هروئین» است. هم‌چنان که red devil «شیطان‌سرخ» قرص سکونال است یا acid head (کله‌اسیدی) معتاد به ال‌اس‌دی معنی می‌شود و shootup «زدن» در واقع تزریق مواد مخدر در رگ‌ها و Trip «سفر» توهم ناشی از مواد مخدر و star dust «غبار کیهانی» در واقع کوکائین است و ...

همچنین مؤلف تمام پیشوندها و پسوندهای لاتین و یونانی را که به فراوانی در ساختن اصطلاحات پزشکی به کار گرفته شده‌اند گردآورده است و مفرد و جمع بودن آن‌ها را مشخص کرده است که این کمک بسیار بزرگی در یادگیری اصطلاحات پزشکی است.

از جمله نوآوری‌های مؤلف در این فرهنگ آن است که هر جا واژه مرکبی مانند drug metabolism یا Down syndrome آمده باشد، آن‌ها را بر حسب حروف همان کلمه اول مرتب کرده و در فرهنگ آورده است و خواننده را به ذیل metabolism یا syndrome ارجاع نداده است. به این روش واژه‌های مرکب آسان‌تر پیدا می‌شوند.

این فرهنگی است قابل استفاده برای پزشکان و داروسازان و حرفه‌های مرتبط با آن و نیز مترجمانی که به هر حال گذارشان به متن‌های پزشکی و نگارش‌ها و گفت و گوهای مرتبط با حرفه‌های پزشکی می‌افتد و نیاز به معادل‌های دقیق و قابل اعتماد از زبان متخصص این رشته‌ها دارند. بسیاری از معادل‌های فارسی این کتاب را در سایر فرهنگ‌های پزشکی مشابه در زبان فارسی نمی‌توان یافت.

حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب زیبا و چاپ آن پاکیزه و خوب است.